

بهترین زمان نوشیدن آبمیوه



■ سلامت‌نیوز: شناخت بهترین زمان برای نوشیدن آبمیوه تازه، کمک خوبی برای جذب بهتر مواد مغذی آن به بدن خواهد بود. بهترین زمان برای نوشیدن

آبمیوه، زمانی است که معده شما خالی است که تقریباً نیم ساعت قبل از غذا می‌شود. در این زمان آنقدر گرسنه هستید که معده خالی شما نسبت به غذا حریص بوده و به هر چیزی که می‌خورید، چنگ می‌اندازد. هنگامی که گرسنه هستید بدن‌تان، هر آبمیوه تازه و سالمی را که می‌نوشید به راحتی جذب کرده و از خواص مفید آن بهره می‌برد و در مقابل مضرات هر آبمیوه ناسالمی را که می‌نوشید نیز بدون اتلاف وقت، جذب خود خواهد کرد. پس سعی کنید آگاهانه انتخاب کنید. ممکن است فکر کنید خوردن مرکبات با آب آنها هنگام صبح با معده خالی به خاطر خاصیت اسیدی بودنشان، خوب نیست. ولی به شما اطمینان می‌دهیم اگر یک بار این کار را بکنید معده شما به آن عادت خواهد کرد. برای این کار ابتدا مقدار کمی از مرکبات و آب آنها را هنگام صبح، زمانی که گرسنه هستید بخورید و پیامدهای آن را بررسی کنید. مطمئن باشید هیچ مشکلی برایتان پیش نخواهد آمد. ویتامین C موجود در آب مرکبات اثر فوق‌العاده خوبی برای پوست دارد. پس به عنوان یک قانون کلی، آبمیوه‌ها را هنگام صبح، زمانی که گرسنه هستید مصرف کنید تا کربوهیدرات‌های پیچیده، در بدن‌تان به انرژی لازم در روز تبدیل شوند یا دوا، سه ساعت قبل از خواب مصرف کنید که این موضوع به سوخت‌وساز بدن شما بستگی دارد.

به کودکان فست‌فود ندهید



■ ایسنا: یک بررسی جدید نشان داده است کودکان خردسال در حدود سن ۶ سالگی که مانند والدین‌شان اغلب از غذاهای فست‌فود استفاده می‌کنند در معرض خطر

سکته مغزی بر اثر چاقی قرار دارند. پزشکان می‌گویند مادرانی که نوزادان خود را در سنین پایین از شیر می‌گیرند و به آنها غذاهای نامناسب و غیر سالم می‌دهند باعث بروز مشکلات بیشتری می‌شوند. این پزشکان تأکید دارند که والدین باید درباره تغذیه صحیح و سالم برای کودکان و نوزادان‌شان آموزش ببینند و در این باره توصیه‌های پزشکی و تغذیه‌ای مناسب را دریافت کنند. این تحقیق روی کمتر از نیمی از بیمارستان‌های انگلیس انجام گرفت و معلوم شد که بیش از ۵۵۰۰ کودک زیر ۱۶ سال طی ۵ سال گذشته برای مشکل چاقی تحت درمان قرار گرفته‌اند و از هر سه کودک یک نفر به چاقی بالینی (بیمار گونه) مبتلا بوده است. متخصصان تأکید کردند گاهی این مشکل حتی در کودکانی که در سن یک سالگی هستند نیز مشاهده می‌شود.

هر درد شکمی، آپاندیسیت نیست



■ ایسنا: هر دردی در ناحیه شکم، آپاندیسیت نیست چرا که درد آپاندیسیت فرازنده و با بی‌اشتهایی و استفراغ همراه است. دکتر «علی عبداللّهی» جراح عمومی

ضمن بیان مطلب فوق گفت: «درد ناگهانی در ناحیه ناف که به قسمت ربع تحتانی سمت راست شکم برایت می‌کند، درد آپاندیسیت است. این در حالی است که دردهای مربوط به بیماری‌های کلیوی، عفونت ادراری و دستگاه تناسلی با درد آپاندیسیت اشتباه گرفته می‌شوند.» وی درباره عوامل مؤثر در ابتلا به آپاندیسیت گفت: «عفونت‌های روده‌ای و افزایش مصرف غذاهای کم‌سبزی، سرخ‌کردنی و حاوی آب کم در کنار فعالیت بدنی اندک عوامل ابتلا به این بیماری هستند.» این عضو هیات علمی دانشگاه با اشاره به سن ابتلا به آپاندیسیت اظهار کرد: «سن شایع آپاندیسیت ۱۵ تا ۲۲ سال است، البته این بیماری در گروه‌های سنی دیگر نیز دیده می‌شود.» وی درباره مراقبت‌های پس از عمل جراحی آپاندیسیت گفت: «لازم است این بیماران یکی دو روز اول پس از عمل جراحی، غذاهای نرم بخورند تا حرکت روده‌ای آنان تسهیل شود. علاوه بر آن تا یک هفته پس از عمل جراحی به محل عمل‌شده فشار نیاورند تا دچار عوارضی مانند چسبندگی نشوند.» وی نوشیدن مایعات کافی و انجام فعالیت بدنی را از راه‌های پیشگیری از آپاندیسیت برشمرد. این جراح دستگاه گوارش با بیان اینکه سالانه دو نفر از صدهزار نفر جمعیت جهان دچار آپاندیسیت می‌شوند، اظهار کرد: «به علت کاهش مصرف مایعات و تحرک کم ابتلا به آپاندیسیت و عفونت‌های روده‌ای در جهان رو به افزایش است.» دکتر «عبداللّهی» در پایان درباره نقش جنسیت در ابتلا به آپاندیسیت گفت: «زنان ۱/۲ برابر بیش از مردان به این بیماری مبتلا می‌شوند چرا که بیشتر به عفونت‌های لگن دچار می‌شوند»



دکتر الهه باطنی*

کنگره جهانی پوست هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود. این کنگره بسیار مهم است و از نظر میزان اهمیت، می‌توان آن را با مسابقات جام جهانی فوتبال مقایسه کرد. این سمینار امسال در کشور کره جنوبی برگزار شد. محل برگزاری آن «کو اکس» بود که محل دائمی برگزاری سمینارها و نمایشگاه‌ها در کشور کره است. کره از نظر مساحت، تقریباً با استان اصفهان برابری می‌کند و از نظر جمعیت حدود چهل و اندی میلیون نفر جمعیت دارد. شهر سئول که پایتخت کره است به وسیله رود «هن» به دو قسمت قدیمی و جدید تقسیم می‌شود. درباره مردم کره نیز باید بگوییم که بسیار سختکوش هستند و به‌طور جدی به پیشرفت کشورشان فکر کرده و در راه آن

عمل می‌کنند. اما نکته جالب‌توجه درباره آنها این است که بسیاری از مردم کره با زبان انگلیسی آشنایی ندارند و این مساله برای کسانی که از کشور کره دیدن می‌کنند، یک مشکل اساسی است. به عنوان مثال پرسیدن آدرس یا دادن آدرس به اغلب رانندگان تاکسی یا خرید، کار چندان ساده‌ای نیست و یک مشکل جدی برای توریست‌هایی است که از این کشور دیدن می‌کنند.

کنگره امسال از نظر بار علمی بسیار خوب بود و مقالات ارائه‌شده در آن بسیار پر بار بودند. سخنرانی‌های ارائه‌شده در این کنگره، متعدد و درباره مسائلی بودند که همیشه بازار داغی دارند مانند جوان‌سازی پوست با انواع لیزرها، علاقه‌براین تازه‌های درمانی بیماری‌های پوستی و روش‌های نوین در تشخیص بیماری‌های پوستی از دیگر موضوعات مورد بحث در این کنگره بودند. یکی از جالب‌ترین بحث‌ها راجع به حاملگی و مشکلات پوستی در زنان حامله بود.

خوراک‌بان

ضرورت تغذیه صحیح در دوران شیردهی و نوزادی

فرصت غیر قابل تکرار

بنابراین در چند قسمت آینده هم نگاهی خواهیم داشت به تغذیه صحیح مادر در این دوران و هم اشارهای می‌کنیم به نکات مهم تغذیه نوزاد در چند سال اول زندگی.

در تمامی کتب معتبر پزشکی و تغذیه، آنچه بدون استثناء به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین اقدام پس از زایمان در جهت جلوگیری از مرگ نوزاد ذکر شده استفاده نوزاد از شیر مادر بلافاصله پس از زایمان (حدود نیم ساعت پس از زایمان) است که با توجه به غلظت بالا و وجود ایمنوگلوبین و آنتی‌بادی‌های متعدد و ترکیب خاص آن بهترین ماده غذایی ممکنه برای تغذیه کودک در اولین ساعات تولد محسوب می‌شود. مصرف آغوز یا همان کستروم در ساعات اولیه تولد که نوزاد در ضعیف‌ترین حالت ممکن از نظر مصونیت در برابر ابتلا به بیماری‌های عفونی است محاسب بی‌شماری دارد که علاوه بر تأمین نیازهای بی‌بدیل اولیه تغذیه‌ای وی، احتمال ایجاد آلرژی ناشی از شیر خشک به دست‌آمده از شیر گاو را که علت اصلی ایجاد آن در طبیعت، تغذیه گوساله است و نه طفل انسان (۱) به صفر می‌رساند. از طرف دیگر شیر مادر کلاما استریل است و هر گونه آلودگی ممکن در شیر خشک تهیه‌شده را نیز نخواهد داشت. وجود آنتی‌بادی‌های اشاره‌شده نیز بدن کودک را در مقابل



آلودگی‌های محیط مصون نگاه نظر و شاهد آنها هستیم. به مادر گرامی! شما با کمی دقت و حوصله و البته گاه همراه با کمی چاشنی از خودگذشتگی که در وجود هر مادری می‌توان آن را یافت، قادرید سلامت جسم، روح و آینده فرزند خود را تضمین کنید یا حداقل نقش خود را در شکل‌دهی مبنا و پایه مقاومت جسمانی وی در حداعلا ایفا کنید. در قسمت‌های گذشته بارها از نقش تغذیه صحیح دوران رشد در شکل‌گیری کامل اعضا و جوارح گوناگون هر شخص

از جمله تشکیل سیستم عصبی و ایمنی بدن و سپس حفظ و نگهداری این سیستم‌های راهبر و حمایت‌کننده انسان در قبال موقعیت‌های مختلف زندگی سخن را ندیم و مکرر اشاره کردیم که بدون بهره بردن از یک پایه جسمانی قوی و مناسب، امکان داشتن ذهنی آرام و آماده برای حل‌اجری و روبه‌رو شدن با مسائل و مصایب جاری زندگی میسر نیست و این امر دارای خصلتی دوطرفه است که با وجود هر گونه ضعف یا خلل در یکی از آنها ما از تعادل لازم در زندگی خود محروم خواهیم بود. بنابراین در ادامه مباحث آیندنگر و پیشگیرانه این سری از مقالات باید به یکی دیگر از فرصت‌های بی‌ظنیری که به مانند دوران بارداری در اختیار هر مادری برای مؤثر بودن در حیث آتی فرزندش قرار دارد، اشاره کنیم که دوران شیردهی برای مادر و شیرخواری برای نوزاد است و نقش اصلی آن را در هر دو مورد، شیر مادر ایفا می‌کند. *کارشناس تغذیه

دکتر محمدحسین عامری*

info@dr-ameri.com



لاله گوش مثل یک کیف عمل می‌کند و صداها را به پرده گوش که در انتهای کانال واقع شده است، می‌رساند. موج صوتی باعث به ارتعاش درآمدن پرده گوش می‌شود و پرده به نوبه خود زنجیره‌ای از سه استخوانچه کوچک را می‌راند. در نهایت، لرزش از طریق استخوانچه‌ها به گوش داخلی منتقل می‌شود. درون گوش داخلی سلول‌هایی قرار دارند که ارتعاش را درک کرده و آن را به جریان الکتریکی تبدیل می‌کنند. سرنایجام این جریان از طریق عصب شنوایی به مغز منتقل می‌شود.

با افزایش سن، سلول‌های عصبی گوش داخلی که وظیفه تبدیل صوت به جریانی الکتریکی را بر عهده دارند، مثل سایر اجزای بدن دچار ضعف و کم‌کاری می‌شوند. بدیهی

گزارش «شرق» از کنگره جهانی پوست در کشور کره‌جنوبی

پزشکان ایرانی فعالان کنگره امسال بودند

از جمله بحث راجع به سرطان ملانوم در زنان و نحوه برخورد با آن در زمان حاملگی، برای درمان بیماری پسروریازیس ناحیه سر که از نظر اجتماعی و روحی می‌تواند مشکل‌ساز باشد نیز داروی موضعی جدیدی معرفی شد که تأثیر آن سریع و استفاده از آن، آسان‌تر از کره‌های قبلی موجود در بازار است. بیماری پسروریازیس در ناحیه سر به شکل پوسته‌زنی شدید مشخص می‌شود و شخص را از نظر ظاهری در اجتماع دچار مشکل می‌کند و با شستن معمولی نیز نمی‌توان آن را مخفی کرد. مصرف این دارو به شکل ژل در ناحیه سر، بسیار آسان و پاسخ به درمان نیز امیدوارکننده است. بحث جالب دیگر راجع به بیماری اگزما بود که برخلاف تحقیقات گذشته، بررسی‌های جدید نشان داده است که با مصرف مقدار بسیار کم مواد آلرژن از سن پایین می‌توان به نوعی مقاومت دست یافت و واکنش بدن را نسبت به برخورد بعدی با مواد حساس‌کننده کمتر می‌کند. این طرز برخورد با عقیده قبلی که برخورد با مواد آلرژن را

پزشکان نامی

دکتر «چارلز ریچارد درو» و ابداع ذخیره خون

میراثی نویدبخش برای همه بیماران



دکتر رکسانا راست‌روان*

همکاری کند «درو» باید مقادیر زیادی پلاسماهای خون را جمع‌آوری و آزمایش می‌کرد و برای انتقال به انگلستان آماده می‌ساخت. بنابراین به نیویورک رفت تا پروژه خون ایشن ایمن پیدا می‌شود. هرچند آمپول آزنمند گمان می‌کنند که دیگران نمی‌فهمند، اما اهنگ گفتار و گونه واژگان، نشان‌دهنده پندار و خمیرمایه اوست و هرگز در پشت پرده‌های تیرنگ پنهان نخواهد ماند؛ چرا که از کوزه همان ترواد که در اوست! دیو درون آرز، آدمی را به بند شهوت نام و مال و مقام و ماندگاری کنشاده و هراس از مرگ (این واپسین سفر ناگزیر) را بر تار و پود دل و جان آدمی چیره می‌سازد. آنان که با حرص و طمع، روزهای زندگی‌شان را سپری می‌کنند، همواره در بند و گرفتارند و به آزادی و آزادیگی دست نخواهند یافت. آزمندی و طمع‌ورزی، آسان و شتاین، آدمیان را به وادی بردگی می‌کشاند که در آن، خردها در بند و وابسته‌ای آژمدارانه بر تخت پادشاهی‌اند. آدمیان در بند و گرفتار آزمندی و طمع‌ورزی، ندیده‌ایده و پیشگسوت هم باشند، ناب‌خوردار از خرمدندی و حکمت هستند؛ چرا که دیو آرز، خرد اعتقاد «درو» در این وضعیت این بود که هیچ پایه علمی به‌جز گروه‌های کبیر برای جسداری خون‌ها وجود ندارد و جسداسازی خون‌ها براساس نژادهای مختلف بی‌اساس است، بنابراین در اعتراض به تبعیض نژادی در جمع‌آوری خون از سمت خود استعفا داد و به تدبیر جراحی گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

کلینیک بیمارستان جان اندرو موریرال در توسکگی آلاباما به صورت داوطلبانه کار می‌کرد. در سال ۱۹۵۰ وی باسه پزشک سایهوپست دیگر تصمیم گرفتند به‌جای اینکه باهواپمایا به توسکگی بروند تا آنجا راندگی کنند. حدود ساعت هشت صبح اول آوریل، «درو» که در حال راندگی هنوز از جراحی شب قبل خسته بود، کنترل خود را روی ماشین از دست داد. اتومبیل او پس از چپ کردن وارد مزرعه کنار جاده شد و سه بار دور خودش معلق زد. سه پزشک دیگر دچار جراحات جزئی شدند ولی «درو» صدمات جدی دید. وقتی تکنیسین‌های اورژانس رسیدند، او را از صدمات شدید با دچار شوک بود. «درو» به بیمارستان عمومی آلامی‌شگاه ایروینی پڑونهی کالج پادشاهی جراحان در لندن بود و مسوولیت انتقال خون نیروی هوایی پادشاهی بریتانیا را بر عهده داشت. از او خواست با وی در فراهم آوردن خون



۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

حاصل تحقیقات خود را در انتقال و ذخیره خون به این مرکز اختصاص داد. «درو» کشف کرد که پلاسما (بخش مایع خون) دارای سلول نیست و می‌توان آن را بدون اینکه کیفیت خود را از دست بدهد خشک و ذخیره کرد. این کشف بزرگ در تمام جهان مورد توجه واقع شد. در سال ۱۹۳۹ او با جابیزه‌ای که از انجمن انتقال خون دریافت کرد، بانک خون بیمارستان را راه انداخت. «درو» در اواخر سال ۱۹۴۰ در جریان جنگ جهانی دوم و پیش از اینکه آمریکا وارد جنگ شود برای کمک به برپایی تشکیلات نمونه برای حفظ و ذخیره خون به خدمت فراخوانده شد. در آغاز جنگ، دکتر «جان بیتی»، استاد پیشین «درو» که مدیر آزمایشگاه‌های پژوهشی کالج پادشاهی جراحان در لندن بود و مسوولیت انتقال خون نیروی هوایی پادشاهی بریتانیا را بر عهده داشت، از او خواست با وی در فراهم آوردن خون

کاملاً قذغن می‌کند، متفاوت است. البته این بحث، پیچیده و نیاز به تحقیقات بیشتر دارد. درباره پیری مو نیز عوامل مختلف تأثیرگذار مورد بررسی قرار گرفتند. فاکتورهای مختلف از جمله ژنتیک بیماری‌های غدد درون‌ریز (مانند اختلالات تیروئید)، اشعه آفتاب و سیگار از عوامل مؤثر در پیری مو هستند. درمان با کافئین و نیاسین آمید و پانتنول می‌تواند در پیشگیری، مؤثر و باعث افزایش قطر موها شود. ■ ■ ■

درباره پزشکان ایرانی شرکت‌کننده در این کنگره نیز باید بگوییم که پزشکان ایرانی از پزشکان فعال کنگره امسال بودند و سخنرانی‌های متعددی ارائه کردند. به همت تلاش‌های چند سال اخیر آقای دکتر «ولتی» و «طوسی» و بقیه اساتید، ایران جزو چند کشور معدودی است که به شکل «sister society» در کنگره‌ها شرکت می‌کند و به‌طور مجزا در سخنرانی‌ها نیز نقش فعالی دارد.

■عضو آکادمی بین‌المللی جراحان و متخصصان پوست و مو

آشنایی با روان‌شناسی حرص و طمع

دیو آژ



دکتر بهنام اوحدی*
www.iranbod.com

■ نخستین نافرمانی در برابر پروردگار از سه چیز ریشه گرفت: غرور شیطان، آزمندی آدم و حسادت قابیل. دیو آژ از درون بر دل و جان آدمیان چیره و روح و روان او را به حرص و طمع الهده می‌سازد، آنگاه به ستم به دیگران و زیر پا گذاشتن مال و جانشان در راستای آزمندی‌های خود دست می‌یازند.

واقعیت این است که برپایی تمدنی سالم فقط به پشتوانه دل‌های درست ممکن است و تا هنگامی که وجدان آدمیان راست‌مدارانه و رشدیافته نشود و خواست‌ها پاک نشود، هرگز از سرکشی‌های آدمی کاسته نخواهد شد، چرا که در سرشت آدمیان، از کودک تا کهنسال، انبوهی سهمگین از شهوات نفسانی جا گرفته است. از این رو آدمیان به آسانی و سادگی به درندگانی دگرگون می‌شوند که پیدا و پنهان به چپاول و کشتار یکدیگر می‌پردازند. پس شگفت‌انگیز نیست که می‌بینیم همه مذاهب آسمانی و مکاتب زمینی که رستگاری آدمیان را در آماج خود نشانده‌اند، گردآورده‌ای از آداب و آیین و اندرز و رهنمود را با خود همراه داشته باشند، بلکه چنگال و دندان این دیو درون آژ را کوتاه کنند.

آزمندی و حرص و طمع‌ورزی، پدیده‌های سرشتی و غریزی در درون آدمیان است که از انثرون دل و پنهان پندار، در لابه‌لای گفتار و کردار ایشن پیدا می‌شود. هرچند آدمیان آزنمند گمان می‌کنند که دیگران نمی‌فهمند، اما اهنگ گفتار و گونه واژگان، نشان‌دهنده پندار و خمیرمایه اوست و هرگز در پشت پرده‌های تیرنگ پنهان نخواهد ماند؛ چرا که از کوزه همان ترواد که در اوست!

دیو درون آرز، آدمی را به بند شهوت نام و مال و مقام و ماندگاری کنشاده و هراس از مرگ (این واپسین سفر ناگزیر) را بر تار و پود دل و جان آدمی چیره می‌سازد. آنان که با حرص و طمع، روزهای زندگی‌شان را سپری می‌کنند، همواره در بند و گرفتارند و به آزادی و آزادیگی دست نخواهند یافت. آزمندی و طمع‌ورزی، آسان و شتاین، آدمیان را به وادی بردگی می‌کشاند که در آن، خردها در بند و وابسته‌ای آژمدارانه بر تخت پادشاهی‌اند. آدمیان در بند و گرفتار آزمندی و طمع‌ورزی، ندیده‌ایده و پیشگسوت هم باشند، ناب‌خوردار از خرمدندی و حکمت هستند؛ چرا که دیو آرز، خرد اعتقاد «درو» در این وضعیت این بود که هیچ پایه علمی به‌جز گروه‌های کبیر برای جسداری خون‌ها وجود ندارد و جسداسازی خون‌ها براساس نژادهای مختلف بی‌اساس است، بنابراین در اعتراض به تبعیض نژادی در جمع‌آوری خون از سمت خود استعفا داد و به تدبیر جراحی گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

کلینیک بیمارستان جان اندرو موریرال در توسکگی آلاباما به صورت داوطلبانه کار می‌کرد. در سال ۱۹۵۰ وی باسه پزشک سایهوپست دیگر تصمیم گرفتند به‌جای اینکه باهواپمایا به توسکگی بروند تا آنجا راندگی کنند. حدود ساعت هشت صبح اول آوریل، «درو» که در حال راندگی هنوز از جراحی شب قبل خسته بود، کنترل خود را روی ماشین از دست داد. اتومبیل او پس از چپ کردن وارد مزرعه کنار جاده شد و سه بار دور خودش معلق زد. سه پزشک دیگر دچار جراحات جزئی شدند ولی «درو» صدمات جدی دید. وقتی تکنیسین‌های اورژانس رسیدند، او را از صدمات شدید با دچار شوک بود. «درو» به بیمارستان عمومی آلامی‌شگاه ایروینی پڑونهی کالج پادشاهی جراحان در لندن بود و مسوولیت انتقال خون نیروی هوایی پادشاهی بریتانیا را بر عهده داشت. از او خواست با وی در فراهم آوردن خون

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

کلینیک بیمارستان جان اندرو موریرال در توسکگی آلاباما به صورت داوطلبانه کار می‌کرد. در سال ۱۹۵۰ وی باسه پزشک سایهوپست دیگر تصمیم گرفتند به‌جای اینکه باهواپمایا به توسکگی بروند تا آنجا راندگی کنند. حدود ساعت هشت صبح اول آوریل، «درو» که در حال راندگی هنوز از جراحی شب قبل خسته بود، کنترل خود را روی ماشین از دست داد. اتومبیل او پس از چپ کردن وارد مزرعه کنار جاده شد و سه بار دور خودش معلق زد. سه پزشک دیگر دچار جراحات جزئی شدند ولی «درو» صدمات جدی دید. وقتی تکنیسین‌های اورژانس رسیدند، او را از صدمات شدید با دچار شوک بود. «درو» به بیمارستان عمومی آلامی‌شگاه ایروینی پڑونهی کالج پادشاهی جراحان در لندن بود و مسوولیت انتقال خون نیروی هوایی پادشاهی بریتانیا را بر عهده داشت. از او خواست با وی در فراهم آوردن خون

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا شد و آنجا بود که به تحقیق در مورد خون و فراورده‌های آن علاقه پیدا کرد. وی در سال ۱۹۳۳ دانشگاه مک‌گیل درجه دکترا در طب گرفت و پس از آنکه به عنوان اترن یکسمال را در بیمارستان رویال ویکتوریا و بیمارستان عمومی مونترال گذراند و دوره دستکاری جراحی عمومی را در بیمارستان عمومی مونترال آغاز کرد. پس از اتمام دوره دستکاری در بیمارستان پرسپترین کلمبیا در نیویورک «درو» از سال ۱۹۳۹ سالانه در

۱۹۲۸ وارد مدرسه طب دانشگاه مک‌گیل در مونتر